

۲۳۰۲۷۳۷

اصل قطعی و لازم الاجراء در
آرای داورى‌هاى ملى و بين‌المللى

تأليف:

دکتر على رسول زاده فرساد

وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه

www.ketab.ir



انتشارات امجد

سرشناسه	: رسول زاده فرساد، علی،
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: اصل قطعی و لازم الاجراء در آرای داوری های ملی و بین المللی / تالیف علی رسول زاده فرساد.
مشخصات نشر	: تهران: امجد، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۹-۶۹-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: رویه قضایی -- ایران Jurisprudence -- Iran آرای حقوقی -- ایران Judgments -- Iran داوری بین المللی -- ایران Arbitration (International law) -- Iran
رده بندی کنگره	: KMH۴۴۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۶۲۸۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

دفتر مرکزی امجد:

تهران، خیابان منیری جاوید، پلاک ۵۷، طبقه اول شمالی

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۶۳۰۵۹ - ۶۶۴۱۱۹۳۱

فروشگاه: خیابان منیری جاوید، تقاطع شهدای زاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲

کتاب های الکترونیکی امجد

www.majdpub.com

کتاب های چاپی امجد

www.majdpub.ir

اصل قطعی و لازم الاجراء در آرای داوری های ملی و بین المللی

تألیف:	دکتر علی رسول زاده فرساد
ناشر:	انتشارات امجد
چاپ اول:	۱۴۰۱
تعداد:	۵۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۲۶۹ - ۶۹ - ۷ ISBN: 978 - 622- 7269- 69- 7

حق چاپ محفوظ و منحصر «امجد» است.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
	بخش اول: مفاهیم و کلیات و ماهیت حقوقی آرای داوری و مقایسه آن با
۲۳	تصمیمات سایر روش های حل اختلاف
۲۳	مقدمه بخش اول
۲۳	فصل نخست: مفاهیم اصل قطعی و لازم الاجراء بودن آرای داوری
۲۳	مبحث اول: مفاهیم و معانی آرای داوری
۲۴	گفتار اول: معانی و مفاهیم لغوی، حقوقی و قانونی رأی، حکم و داوری
۲۴	بند اول: معنی لغوی رأی، حکم و داوری
۲۵	بند دوم: مفاهیم حقوقی و قانونی داوری
۲۵	قسمت اول: تعاریف حقوقی داوری
۲۶	قسمت دوم: تعریف قانونی داوری
۲۷	گفتار دوم: مفاهیم آرای داوری
۲۷	بند اول: رأی داوری یا حکم داوری
۲۸	قسمت اول: پیشینه تاریخی و عرفی حکم داوری
۲۸	قسمت دوم: رویکرد قانونگذاران نسبت به حکم داوری
۳۰	قسمت سوم: دیدگاه دکترین حقوقی و رویه قضائی نسبت به حکم داوری
۳۳	گفتار سوم: مفاهیم و منشأ اصل قطعیت و لازم الاجراء بودن آرای داوری
۳۳	بند اول: معانی لغوی و اصطلاحی اصل حقوقی و فقهی
۳۵	بند دوم: مفاهیم و اوصاف اصل و قاعده حقوقی
۳۷	بند سوم: منشأ اصل قطعیت آرای داوری
۳۸	قسمت اول: اصل قطعیت آرای داوری ناشی از ذات آرای داوری
۳۹	قسمت دوم: اصل قطعیت آرای داوری ناشی از اراده طرفین و توافقنامه داوری
	قسمت سوم: اصل قطعیت آرای داوری ناشی از قوانین و قواعد داوری، دکترین
۴۲	حقوقی و رویه قضائی
۴۳	مبحث دوم: ماهیت حقوقی نهاد داوری
۴۴	گفتار اول: نظریه قضایی یا صلاحیتی
۴۵	گفتار دوم: نظریه قراردادی یا توافقی
۴۶	گفتار سوم: نظریه مختلط یا دوگانه
۴۷	گفتار چهارم: نظریه خود سامانی یا مستقل

گفتار پنجم: نتیجه گیری نهایی ماهیت حقوقی داوری.....	۴۸
مبحث سوم: ماهیت حقوقی اصل قطعیت و لازم الاجراء بودن آرای داوری.....	۴۹
گفتار اول: صلاحیت کلی دادرسی و رسیدگی به اختلاف.....	۵۰
بند اول: صلاحیت عام و کلی محاکم.....	۵۱
بند دوم: صلاحیت خاص و استثنائی داوری.....	۵۳
گفتار دوم: اصل قطعیت و آثار مترتب بر آن.....	۵۴
فصل دوم: ماهیت آرای داوری و مقایسه آن با آرای صادره در سایر روش های حل و فصل اختلافات.....	۵۷
مبحث اول: داوری و قضاوت.....	۵۸
گفتار اول: ماهیت حقوقی رأی قضایی.....	۶۰
گفتار دوم: تمیز داوری از قضاوت.....	۶۰
بند اول: مشخصات کلی دادرسی قضایی.....	۶۱
بند دوم: مشخصات کلی رسیدگی داوری.....	۶۲
مبحث دوم: داوری و کارشناسی.....	۶۴
گفتار اول: وجه متفاوت و مشترک داوری از کارشناسی.....	۶۷
گفتار دوم: قراردادهای میانکاری و کارشناسی.....	۷۰
مبحث سوم: داوری و مذاکره.....	۷۱
مبحث چهارم: داوری و صلح و سازش.....	۷۳
گفتار اول: تعاریف حقوقی و قانونی صلح و سازش.....	۷۳
گفتار دوم: وجه متمایز و متشابه داوری و سازش.....	۷۵
گفتار سوم: شورای حل اختلاف و سازش.....	۷۶
مبحث پنجم: داوری و میانجیگری.....	۷۸
گفتار اول: تمیز داوری از میانجیگری.....	۷۹
گفتار دوم: تفاوت میانجیگری از سازش.....	۷۹
مبحث ششم: داوری و قاضی تحکیم.....	۸۰
گفتار اول: مفهوم فقهی و حقوقی قاضی تحکیم.....	۸۱
گفتار دوم: قلمرو صلاحیت قاضی تحکیم.....	۸۲
گفتار سوم: ماهیت تصمیمات و آرای صادره توسط قاضی تحکیم.....	۸۳
مبحث هفتم: داوری و روش کد خدامنشی.....	۸۴
فصل سوم: اوصاف حقوقی و انواع تصمیمات داوری.....	۸۹
مبحث اول: اوصاف حقوقی نهاد داوری.....	۸۹
گفتار اول: مرجع حل اختلاف بودن داوری.....	۸۹
بند اول: خصوصیت توافقی داوری‌های عام.....	۸۹

بند دوم: خصوصیت غیر ترافیکی داوریهای خاص.....	۹۰
قسمت اول: داوریه جشنواره‌های فرهنگی و هنری.....	۹۱
قسمت دوم: داوریه مسابقات ورزشی.....	۹۱
گفتار دوم: توافقی و قراردادی بودن داوریه.....	۹۲
بند اول: داوریه اختیاری.....	۹۳
بند دوم: داوریه اجباری.....	۹۴
گفتار سوم: غیر دولتی و غیر قضایی بودن داوریه.....	۱۰۱
بند اول: غیر دولتی بودن داوریه.....	۱۰۲
بند دوم: غیر قضایی بودن داوریه.....	۱۰۳
گفتار چهارم: قطعی و لازم الاجراء بودن آرای داوریه.....	۱۰۳
مبحث دوم: انواع تصمیمات داوریه.....	۱۰۴
گفتار اول: دستورات اداری و تصمیمات مقدماتی.....	۱۰۴
گفتار دوم: اقدامات تأمینی.....	۱۰۶
بند اول: قرار تأمین خواسته.....	۱۰۸
بند دوم: دستور موقت.....	۱۰۸
گفتار سوم: رأی نهایی داوریه.....	۱۱۳

بخش دوم: مبانی حقوقی و مصادیق قانونی قطعی و لازم الاجراء بودن آرای

داوریه.....	۱۱۵
مقدمه بخش دوم.....	۱۱۵
فصل نخست: مبانی حقوقی و مصادیق قانونی قطعیت آرای داوریه.....	۱۱۶
مبحث اول: انواع آرای داوریه و شرایط و آثار حقوقی آنها.....	۱۱۶
گفتار اول: انواع آرای داوریه.....	۱۱۶
بند اول: آرای داوریه داخلی (ملی).....	۱۱۹
بند دوم: آرای داوریه خارجی.....	۱۲۰
بند سوم: آرای داوریه بین‌المللی (فراملی).....	۱۲۰
بند چهارم: آرای نهایی داوریه.....	۱۲۴
قسمت اول: مفهوم آرای نهایی.....	۱۲۵
قسمت دوم: آرای جزئی و جامع.....	۱۲۶
گفتار دوم: شرایط و الزامات و آثار حقوقی آرای داوریه.....	۱۲۸
بنداول: شرایط شکلی آرای داوریه.....	۱۲۹
قسمت اول: مکتوب و مشروح بودن رأی داوریه.....	۱۲۹
قسمت دوم: ممضی و مورخ بودن و مکان صدور رأی داوریه.....	۱۳۱

مقدمه

در زندگی اجتماعی انسان‌ها به جهت وجود سلائق و علائق متنوع و نیز روابط گسترده و پیچیده و به خصوص وجود قراردادهای متعدد تجاری در جهان، بروز اختلافات امری طبیعی و غیر قابل احتراز بوده، لا جرم باید جهت حل معضلات و رفع اختلافات، راه و روش برتر و بهترین شیوه ممکن را کاوش نمود. تجربه تاریخی نشان داده است که تحقیقاً اسلوب داوری بهترین و معمولاً کم هزینه ترین و آسانترین روش کارآمد حل و فصل مشکلات و اختلافات حقوقی و تجاری است. امروزه فراهم نمودن ابزارهای حقوقی لازم جهت رشد و بالندگی اقتصادی کشورها و ایجاد امنیت کافی برای سرمایه گذاری و معاملات تجاری از اهمیت بالایی برخوردار است. قطعاً یکی از این ابزارهای مهم، نهاد قدیمی و تاریخی داوری است. اساساً این نهاد، یک سیستم قراردادی و توافقی برای حل و فصل اختلافات بوده که از قدیم الایام مورد اقبال عموم مردم قرار گرفته و مانند هر توافق و قراردادی، تحت حاکمیت اراده و اصل استقلال طرفین قرارداد می‌باشد. در واقع می‌توان ادعا نمود که اساس انتخاب داوری و شالوده و بنیان فلسفی آن، مبتنی بر توافق طرفین منازعه و عدم مراجعه به مراجع قضایی و قائمه اصلی و استوانه داوری مبتنی بر تراضی و توافق طرفین اختلاف براساس اصل حاکمیت اراده است. به لحاظ تاریخی نیز پیدایش داوری مقدم بر رسیدگی‌های قضایی بوده و امروزه نهاد داوری رفته رفته جایگزین و بدیل مناسبی برای رسیدگی‌های قضایی است. همچنین یکی از دلایل مهم ضرورت قطعی انتخاب داوری، داوری‌های بین‌المللی است. در دعاوی و یا اختلافات داخلی امکان مراجعه به دادگاه وجود داشته ولی در خصوص دعاوی بین‌المللی به لحاظ عدم وجود دادگاه بین‌المللی، مراجعه به نهاد داوری عملاً تنها شیوه و روش منحصر به فرد حل و فصل اختلافات است. نظر به اهمیت موضوع، هدف غایی و راهبردی این اثر، ترویج و ارتقاء فرهنگ داوری خصوصاً در حوزه فعالیت‌های تجاری و تشویق عدالت اجتماعی از طریق ارائه ساز و کارهای مناسب و بالمآل تبیین و تفسیر دو اصل و قاعده کلی حاکم بر رأی داوری، یعنی فصل خصومت‌ها و اختلافات در یک مرحله دادرسی و اصدار رأی نهایی و قطعی و لازم‌الاتباع برای طرفین در داوری‌های ملی و بین‌المللی است. امروزه با توسعه

علوم و فنون و فناوری‌های نوین و به موازات آن توسعه فعالیت‌های بازرگانی و بین‌المللی، خصوصاً از ابتدای قرن بیستم میلادی، رایج‌ترین و مهمترین شیوه حل و فصل اختلافات تجاری روش داوری بوده و مقررات مدونی بر فرایند داوری حاکم گردیده و داوری شخص و یا اشخاص معین که اصطلاحاً برآن داوری موردی گفته می‌شود به داوری سازمانی تبدیل گردیده است. سازمان و نهاد داوری در واقع یک شیوه انجام امر داوری و تحت نظارت و مدیریت یک سازمان تخصصی داوری است که پس از صدور رأی در هر پرونده ای فعالیت آن تداوم می‌یابد، معذک باید اقرار نمود که متأسفانه حقوق داوری ایران در این خصوص ساکت بوده ولی با عنایت به تبصره ماده ۴۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی که اشعار می‌دارد، «در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می‌توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث و یا دادگاه واگذار کنند.» به نظر می‌رسد که محدودیتی در انتخاب داور و یا سازمان داوری وجود ندارد. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ هم در موارد متعددی به نقش پررنگ نهاد داوری اشاره نموده و در ماده ۳ آن قانون، سرویس ابلاغ اوراق و اخطاریه‌ها را به عهده سازمان داوری گذاشته شده است. اضافه می‌نماید که یکی از مهمترین اهداف تحقیقات و پژوهش‌های نظری در هر حوزه ای پیوند فعالیت‌ها و عملکردهای حرفه ای با داده‌ها و یافته‌های علمی و نظری و اعمال آنها در سطوح مختلف جامعه و بالنتیجه ارتقاء فرهنگ و رفاه و تمدن آن جامعه است. از دیدگاه حقوقی نیز هدف حقوقدانان، اعتلاء اهداف حقوقی و انسانی و اخلاقی و رسیدن به عدالت اجتماعی مطلوب است. در این راستا، کتاب حاضر با چنین چشم اندازی، تدوین یافته و در جهت و نیل به اهداف مورد نظر، سه عامل مهم و اساسی به عنوان الزامات بحث لحاظ گردیده است. عامل نخست ضرورت‌ها و الزامات و اقتضائات و شرایط کنونی کشور است. در شرایط فعلی کشور و در فضای کنونی و پس از سال‌ها رکود اقتصادی، افق چشم انداز رشد و توسعه همه جانبه کشور بسیار روشن و امیدوار کننده و محتاج به واقع نگری و نیز نگرش‌های عاری از سیاسی کاری و منطبق با واقعیت‌های اقتصادی ملی و بین‌المللی است. در این میان فراهم نمودن بسترهای مناسب جهت جلب و فراخوان سرمایه گذاری‌های خارجی و جلب اعتماد ایشان و با استفاده از ابزارهای مؤثر و از طریق اعمال مقررات مناسب و مطلوب، خصوصاً ارجاع کلیه اختلافات ناشی از قراردادهای سرمایه گذاری اعم از تفسیر و یا نسخ و نقض قرارداد به سازمان‌ها و مراکز داوری مستقل از نهاد قضایی و حاکمیتی امری لازم و بلکه بسیار ضروری است. مضافاً این که با عنایت به تحولات سریع اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد و توسعه تجارت بین‌الملل دیگر مانند گذشته تفکر زندگی جزیره ای و با وصف موهوم زندگی مستقل رو به افول گراییده و

رسیدن به اهداف فوق الذکر، تنها با تعامل سازنده و همه جانبه با سایر کشورهای جهان امکان پذیر است. عامل دوم از الزامات و اقتضائات بحث، ضرورت تغییر سیاست‌های توسعه قضایی به قضاء زدایی است. چند سالی است که مسئولین قضایی کشور به کرات و دفعات با اعلام سیاست‌های قضا زدایی از حجم بالای پرونده‌ها انتقاد و گلایه نموده و در پی یافتن راه حل و مفری جهت خروج از این بن بست بوده‌اند که مع الاسف تراکم دعاوی دادگستری روز به روز رو به تزايد بوده و همواره به دنبال یافتن راه کارهای مناسب جهت تقلیل و کاهش آمار ورودی پرونده‌ها و در حقیقت برون سپاری بخشی از مراجعات محاکم بوده اند. مهمترین و بارزترین این اقدامات، تأسیس قانون شوراهای حل اختلاف و با شعار حل اختلاف از طریق صلح و سازش می‌باشد. البته اقدام فوق الذکر هر چند که ممکن است در کوتاه مدت دافع برخی مشکلات و موجب کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی گردد، لیکن رافع مشکلات اساسی و معضلات قضایی نبوده و حسب تجربه و تحقیق میدانی مولف، قانون و تشکیلات مزبور وافی به مقصود (یعنی حل اختلافات از طریق صلح و سازش) نبوده و موجبات نارضایتی مردم را فراهم نموده است. البته ما در این مجال به دنبال تحلیل و یا آسیب شناسی مشکلات قضایی نبوده ولی قویاً معتقدیم که توسعه و ترویج فرهنگ داوری و تأسیس مراکز سازمانی داوری قطعاً دارای نتایج سودمند و ارزشمندی خواهد بود. دستگاه قضایی نباید نهاد داوری را به دیده یک رقیب ببیند بلکه باید به چشم یک رفیق بنگرد که می‌خواهد باری از دوش سنگین وی بکاهد. مآلاً آخرین عامل مهم در باب ضرورت‌ها و الزامات بحث، اینکه علاوه بر اقتضائات و شرایط خاص و حساس در این برهه تاریخی کشور، لزوم تغییر نگرش تصمیم سازان قضایی از توسعه کمی قضایی در هر دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری و ترویج فرهنگ داوری است. نگارنده معتقد است که جهت اصلاح امور و مرتفع نمودن مشکلات جاری، بایستی با اعمال دقیق سیاست کاهش اعمال تصدی دولت (حاکمیت) و به ویژه دستگاه قضایی و در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ضروری است امورات اجرائی مردم به ایشان واگذار گردیده، در مقابل دولت و حاکمیت نقش نظارتی خود را بهتر و بیشتر تقویت نماید. خوشبختانه کشور کهن و تاریخی ما ایران نیز از کاروان جهانی داوری عقب نیفتاده و با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ و نیز الحاق به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در خصوص شناسایی و اجراء آرای داوری در سال ۱۳۸۰ به کاروان داوری بین‌المللی پیوسته است. این موضوع در اسناد بالا دستی نظام، مانند سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی نظام مندرج در قوانین برنامه‌های پنج ساله و نیز سند نقشه جامع علمی کشور چشمگیر و نمایان است. به نحوی

که در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۵ علاوه بر بندهای ۱۶ و ۱۷ در خصوص سیاست‌های کلی برنامه در امور فرهنگی، علمی و فناوری دائر بر ایجاد محیط مناسب و ساختار مناسب حقوقی و اصلاح نظام اداری و قضایی و در منشور سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی و در بند ۹ آن به استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی اشاره گردیده است. همچنین در سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹ شورای انقلاب فرهنگی در راستای ترسیم نقشه راه شفاف و دقیق در بند «الف» از فصل سوم سند قانونی مذکور در همین ارتباط است. علاوه بر این در بند «ج» ماده ۹۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز فصل هشتم قانون برنامه پنجم توسعه شامل مادتين ۲۱۱ و ۲۱۲ به این مهم تأکید ورزیده، عیناً در برنامه ششم توسعه نیز تکرار گردیده است. البته ما در تداوم این روند همچنان منتظر تصویب لایحه جامع داوری در مجلس شورای اسلامی هستیم. ذکر این نکته ضروری است که تقریباً اکثر حقوقدانان و متخصصین حقوق داوری ایران، داوری را نوعی «قضاوت خصوصی» دانسته که به نظر می‌رسد چنین تعبیری صحیح نبوده، بلکه خلط موضوع شده و موضوع کاملاً برعکس بوده و بلکه قضاء و قضاوت در حقیقت به نوعی حکمیت و داوری است. با توجه به شئون و اقتضائات قضاوت که امری دولتی و به عبارت صحیح تر حاکمیتی بوده و ناشی از اراده و ابلاغ رسمی حکومت و تحت ضوابط معین و مشخص و تحت شمول قوانین و مقررات و سایر میبایست کلی قضائی هر کشوری است، قاضی در واقع جاهل بین دو عالم (طرفین پرونده) بوده که در چهار چوب قوانین و مقررات ماهوی و شکلی (قوانین و قواعد دادرسی) به حکمیت و داوری میان آنها می‌پردازد. به عبارتی قضاوت به نوعی «داوری دولتی و یا حکومتی» است که فلسفه و منشأ ایجاد آن اراده حاکمیت بوده و حکمیت و یا اصطلاحاً «داوری خصوصی» نوعی دادرسی و روش حل اختلاف میان متداعیین بامنشأ ایجادي اراده و خواست طرفین اختلاف و انتخاب آگاهانه و آزاد داور یا داوران می‌باشد. بهترین شاهد و دلیل این مدعی (مدعا) سابقه تاریخی و قدمت نهاد داوری نسبت به نهاد قضاوت است که پس از تشکیل دولت‌ها استقرار یافته است. هدف آرمانی هر دو مکانیسم حل اختلاف، تحصیل عدالت و احقاق حق و به عبارتی رساندن حق به حقدار است. حامیان سیستم قضایی معتقدند که نباید دقت کافی را فدای سرعت زیاد نمود، بلکه با تعدد و تنوع رسیدگی‌ها می‌توان از لغزش و خطای احتمالی کاسته و به عدالت قضایی و اجتماعی نزدیک تر گردید. در مقابل طرفداران حقوق داوری قائلند که با حذف تشریفات اضافی و تقلیل هزینه‌های دادرسی، در

اسرع وقت می‌توان به تصمیمی معقول و عادلانه رسید. امروزه از میان تمام روش‌های حل اختلاف شناخته شده در جهان، نهاد داوری با توجه به سابقه طولانی و تاریخی آن و نیز کارآمدی و امتیازات و مختصات انحصاری آن، خصوصاً دو اصل «قطعیت» و «لازم الاجراء بودن» آرای داوری نه تنها یک انتخاب منصفانه و آگاهانه بلکه یک ضرورت قطعی و غیر قابل تردید است. تأسیس حقوقی داوری، صرفاً محدود و مختوم به فرایند اجرائی داوری نبوده بلکه دارای مؤخرات و مقدماتی است که شاید اهمیت آن‌ها کمتر از فرایند اجرای داوری نباشد. حیطه حقوقی و حدود و ثغور نهاد داوری شامل مقاطع و مراحل سه گانه جامع و مانعی است که شایسته و بایسته است که آن را منظومه داوری بنامیم. منظور از منظومه داوری، شامل تمامی مراحل مرتبط به مکانیسم حل اختلاف داوری اعم از مقدمات تأسیس داوری، شامل ارجاع اختلاف توسط طرفین هر قرارداد و یا ارجاع دعوی مطروحه به داوری توسط دادگاه و یا تنظیم توافقنامه داوری و مطالب مرتبط به آن‌ها و نیز فرایند اجرائی داوری که مرحله فعلیت و انجام عملی آن و روند رسیدگی داور و یا دیوان داوری به موضوع اختلاف و تمامی اصول و قواعد و شرائط حاکم بر آن تا صدور رأی نهائی و نیز مرحله پایانی، شامل ابلاغ و اجراء رأی داوری و یا در خواست بازنگری و اعتراض به آن وفق منطق و اصول حقوقی و یا منصوصات قانونی که در مجموع سه مرحله اساسی منظومه حقوقی داوری را تشکیل می‌دهد.

نظر به مراتب، زربنای بحث در پیش‌رو از میان سه مرحله فوق‌الذکر یعنی مرحله مقدماتی و تأسیس، مرحله میانی و اصلی و مرحله نهائی و اجرائی، بیشتر معطوف به دو مرحله میانی و نهائی داوری بوده و با تمرکز بر دو اصل شاخص داوری، یکی در خصوص رأی داوری، یعنی اصولاً قطعی و غیر قابل تجدید نظر بودن آن و دیگری لازم الاجراء بودن آرای داوری است. مضافاً اینکه دو اصل مذکور دارای استثنائاتی است که مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

مسأله مهم مورد کنکاش در این کتاب، یافتن راه حل‌های اساسی جهت حل و فصل اختلافات حاصله از فعالیت‌های عمومی و خصوصاً بازرگانی و یا ناشی از قراردادهای تجاری در عرصه ملی و بین‌المللی است. امروزه با عنایت به مشکلات محاکم قضائی که با هزینه‌های بالا و کندی و اطاله دادرسی و سایر مشکلات همراه است، نهاد داوری جایگزین مناسبی محسوب گردیده، مطلوبیت و اقبال به این نهاد مردمی با فرض اصل قطعی و لازم‌الاجراء بودن آرای داوری رو به فزونی است. براین اساس عنوان موضوع این کتاب، «اصل قطعی و لازم‌الاجراء بودن آرای داوری‌های ملی و بین‌المللی» تعیین گردیده است.